



ORIGINAL RESEARCH PAPER

Legal Challenges to the Liability of Editors and Publishers in Relation to Misconduct

Hossein Mahmoodi¹, Fatemeh Alihosseini^{*2}

Received:

26 Apr 2025

Revised:

04 Jul 2025

Accepted:

08 Aug 2025

Available Online:

22 Dec 2025

Keywords:

Research Misconduct,
Law, Medical
Research, Journal
Editors, Publishers.

Abstract

As the burden of misconduct in medical research is increasingly recognized, questions have been raised about how to address this problem. Although existing mechanisms exist to investigate and manage misconduct in the medical literature, they are not sufficient to address the magnitude of the problem. Journal editors and publishers play a critical role in safeguarding the integrity of the medical literature. The research method in this paper is analytical-descriptive and based on library studies. Data were obtained through direct review and scrutiny of authoritative sources in the field. The findings indicate that although ethical guidelines are important for journal editors and publishers, they are not as easily enforceable as legal obligations. This article questions the legal obligations that may exist for journal editors and publishing companies to ensure the accuracy of published literature. Ultimately, there are no enforceable legal obligations in Australia, the UK or the US. Given this, stronger mechanisms are needed to build trust and greater transparency in the research process, manage concerns or findings of misconduct and require literature clean-up. We show that the law prevents journals and publishers from ensuring the truth in their publications. When the foundations of medical science are called into question, there are detrimental consequences for medical care and public confidence in the medical profession and the healthcare system.

1 Assistant Professor, Department of Law, University of Lorestan, Khoramabad, Iran.

2 M.A of Private Law, University of Lorestan, Khoramabad, Iran.*

(Corresponding Author) Email: falihosseini07@gmail.com

Please Cite This Article As: Mahmoodi, H & Alihosseini, F (2025). "Legal Challenges to the Liability of Editors and Publishers in Relation to Misconduct". *Interdisciplinary Legal Research*, 6(4): 1-13.



This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0)

مقاله پژوهشی

(صفحات ۱-۱۳)

چالش‌های حقوقی مسؤلیت سردبیران و ناشران در رابطه با سوءرفتار

حسین محمودی*^۱، فاطمه علی‌حسینی^۲

۱. استادیار، گروه حقوق، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران.

۲. کارشناسی ارشد رشته حقوق خصوصی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران. (نویسنده مسؤل)

Email: falihosseini07@gmail.com

دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۰۶ ویرایش: ۱۴۰۴/۰۴/۱۳ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۱۷ انتشار: ۱۴۰۴/۱۰/۰۱

چکیده

باتوجه به این‌که بار سوءرفتار در تحقیقات پزشکی به‌طور فزاینده‌ای به‌رسمیت شناخته می‌شود، سؤالاتی در مورد چگونگی رسیدگی به این مشکل مطرح شده است، اگرچه مکانیسم‌های موجود برای بررسی و مدیریت سوءرفتار در ادبیات پزشکی وجود دارد، اما برای مقابله با بزرگی این مشکل کافی نیستند. سردبیران و ناشران مجلات نقش اساسی در حفاظت از صحت ادبیات پزشکی ایفا می‌کنند. روش تحقیق در این مقاله، تحلیلی - توصیفی و مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای است. داده‌ها از طریق بررسی مستقیم و تدقیق در منابع معتبر این حوزه به‌دست آمده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که اگرچه راهنمایی‌های اخلاقی برای سردبیران و ناشران مجلات مهم است، اما به آسانی تعهدات قانونی قابل اجرا نیست. این مقاله تعهدات قانونی که ممکن است برای سردبیران مجلات و شرکت‌های انتشاراتی در رابطه با تضمین صحت ادبیات منتشرشده وجود داشته باشد را زیر سؤال می‌برد. درنهایت، هیچ تعهد قانونی قابل اجرایی در استرالیا، انگلستان یا ایالات متحده وجود ندارد. باتوجه به این موضوع، مکانیسم‌های قوی‌تری برای ایجاد اعتماد و شفافیت بیشتر در فرآیند تحقیق، مدیریت نگرانی‌ها یا یافته‌های سوءرفتار و نیاز به پاکسازی ادبیات مورد نیاز است. ما نشان می‌دهیم که قانون، مجلات و ناشران را از تضمین حقیقت در انتشارات خود بازمی‌دارد. وقتی مبانی علم پزشکی زیر سؤال می‌رود، عواقب مضری برای مراقبت‌های پزشکی و اعتماد عمومی به حرفه پزشکی و سیستم مراقبت‌های بهداشتی وجود دارد.

کلمات کلیدی: سوءرفتار پژوهشی، قانون، تحقیقات پزشکی، سردبیران مجلات، ناشران.

مقدمه

منتشر شده می‌تواند تأثیر مستقیمی بر تصمیم‌گیری‌های علمی، پزشکی و سیاست‌گذاری داشته باشد.

با این حال، این تعهد اخلاقی اغلب به الزام قانونی تبدیل نشده و همین موضوع منجر به خلأهای جدی در سازوکارهای نظارتی و اجرایی شده است. به عبارتی دیگر، درحالی‌که تخلفات تحقیقاتی می‌توانند آسیب‌های جدی و بلندمدتی به اعتبار علم و سلامت عمومی وارد کنند، اما نبود چهارچوب‌های قانونی الزام‌آور باعث شده است که بسیاری از موارد به صورت ناکافی رسیدگی شده و تخلفات بدون پیامد جدی باقی بمانند. این ضعف قانونی، باعث می‌شود که مجلات و ناشران کمتر تحت فشار باشند تا فرآیندهای دقیق‌تر و شفاف‌تری برای بررسی صحت تحقیقات منتشر شده اتخاذ کنند.

عواقب این وضعیت فراتر از حوزه تخصصی علم است و اعتماد عمومی به علم را به شدت تهدید می‌کند. اعتماد به علم که یکی از ارکان اصلی پیشرفت‌های فناورانه، بهبود سلامت جامعه و توسعه اقتصادی است، در صورتی که خدشه‌دار شود، می‌تواند پیامدهای گسترده‌ای در سطح جهانی به دنبال داشته باشد. برای مثال، تجربه دوران همه‌گیری کووید-۱۹ نشان داد که انتشار تحقیقات بی‌کیفیت و متناقض، همراه با پیام‌های عمومی ناهمگون و گاه گمراه‌کننده، چگونه می‌تواند به تضعیف اعتماد عمومی به توصیه‌های علمی و بهداشتی منجر شود و این موضوع آثار ویرانگری بر سلامت عمومی و سیاست‌گذاری‌های مربوط به مدیریت بحران داشته باشد (Belinda et al., 2022; Bennett et al., 2020; Freckelton, 2020a, 2020b).

در این زمینه، سؤال اساسی این است که چگونه می‌توان با وجود فقدان الزامات قانونی سخت‌گیرانه، انگیزه‌ها و سازوکارهای مؤثری را ایجاد کرد تا مجلات و ناشران به مسؤولیت اخلاقی خود عمل کنند و از انتشار تحقیقات نادرست یا مشکل‌دار جلوگیری کنند. بررسی سازوکارهای موجود، نقاط ضعف و قوت آن‌ها و نیز امکان بهره‌گیری از چهارچوب‌های نوین نظارتی و سیاست‌گذاری، محور اصلی این مقاله خواهد بود.

فقدان یک مرجع قانونی قوی و الزام‌آور در این حوزه باعث شده است که بسیاری از نهادهای مرتبط نتوانند نقش مؤثر خود را ایفا کنند و این خلأ قانونی به طور مستقیم به تداوم مشکلات و تضعیف اعتماد عمومی منجر شده است.

تخلف در تحقیقات علمی به‌عنوان یکی از چالش‌های جدی و پررنگ در جامعه پژوهشی معاصر، به یک معضل فراگیر تبدیل شده است که پیامدهای آن تنها محدود به فضای دانشگاهی و پژوهشی نمی‌شود، بلکه اثرات ملموس و گاه جبران‌ناپذیری بر سلامت عمومی، سیاست‌گذاری‌های اجتماعی، اقتصاد و اعتماد عمومی به علم دارد. این مسأله که در دهه‌های اخیر به‌طور فزاینده‌ای مورد توجه قرار گرفته است، با وجود پیشرفت‌های چشم‌گیر در تکنولوژی و روش‌های پژوهشی، همچنان یک مشکل پیچیده و چندبعدی به‌شمار می‌رود که به دلیل ماهیت غیرشفاف و گاهی پنهان آن، حل آن نیازمند همکاری همه‌جانبه و چندسطحی از سوی بازیگران مختلف حوزه علم و فناوری است.

با افزایش تعداد و حجم تحقیقات علمی در سطح جهان، بروز تخلفات پژوهشی نیز به همان نسبت افزایش یافته و این موضوع به‌عنوان یک تهدید جدی برای سلامت اکوسیستم علمی مطرح شده است. تخلفاتی نظیر تقلب، جعل داده‌ها، سرقت ادبی، گزارش‌دهی ناقص و یا سوگیری در تحلیل نتایج، همگی مواردی هستند که می‌توانند اعتبار علمی را به شدت مخدوش کنند و روند پیشرفت دانش را با اختلالات جدی مواجه سازند. به‌رغم آن‌که در سال‌های اخیر آگاهی و شناخت نسبت به اهمیت اخلاق پژوهشی و ضرورت مقابله با تخلفات افزایش یافته است، متأسفانه سازوکارها و فرآیندهای موجود برای رسیدگی به این تخلفات هنوز از نظر کارایی، سرعت و شفافیت در سطح مطلوب قرار ندارند و نمی‌توانند پاسخگوی حجم و پیچیدگی چالش‌های موجود باشند.

اگرچه مسؤولیت اصلی تخلفات بر دوش پژوهشگران و مرتکبین آن است، اما نمی‌توان نقش و جایگاه سایر نهادها و سازمان‌های ذی‌ربط، به‌ویژه مجلات علمی و ناشران را در این زمینه نادیده گرفت. این نهادها، به‌عنوان بازوهای اصلی انتشار و گسترش دانش، نقش تعیین‌کننده‌ای در تضمین صحت و اعتبار اطلاعات منتشر شده ایفا می‌کنند. مطابق با بیانیه کمیته اخلاق انتشار (COPE)، مجلات مسؤول رفتار سردبیران خود، حفاظت از سوابق تحقیقاتی و تضمین اعتبار هر آنچه منتشر می‌کنند، هستند (Wager & Kleinert, 2012). این مسؤولیت اخلاقی که برعهده ناشران و سردبیران است، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا کیفیت و اعتبار مقالات

اطلاعات محرمانه یا خصوصی و اجتناب از ریسک یا آسیب غیرمنطقی را نیز به آن اضافه می‌کند (دفتر صداقت در پژوهش بریتانیا، بی‌تا). **تاگول** و **ناتنر** (۲۰۱۷) تعریفی از سوءرفتار پژوهشی ارائه دادند که شامل جعل، تحریف، رفتار غیراخلاقی نویسنده و خطا می‌شود.

همه شیوه‌های غیراخلاقی و آسیب‌رسان در پژوهش به درستی سوءرفتار تلقی نمی‌شوند؛ مفاهیم مرتبط با شیوه‌های پژوهشی مضر (DRP) و شیوه‌های پژوهشی مشکوک (QRP) تلاش می‌کنند تا انحرافات کمتر، اما همچنان جدی از شیوه‌های پژوهشی اخلاقی را ثبت کنند. QRPها رویه‌هایی هستند که سوءرفتار محسوب نمی‌شوند، اما «ارزش‌های سنتی کار تحقیقاتی» را تضعیف می‌کنند و «ممکن است برای فرآیند تحقیق مضر باشند» (آکادمی‌های ملی علوم، مهندسی و پزشکی، ۲۰۱۷: ۱۶).

همان‌طور که در گزارش Responsible Science تعریف شده است، DRPها رویه‌هایی هستند که به مؤسسات و رویه‌های تحقیقاتی آسیب می‌رسانند و از سوءرفتار فاصله می‌گیرند. این رویه‌ها ممکن است شامل نظارت سهل‌انگاران یا استثمارگران، درخواست یا انکار حق تألیف و تحلیل آماری همراه‌کننده باشد (آکادمی‌های ملی علوم، مهندسی و پزشکی، ۲۰۱۷: ۷۴). نظر کمیته Responsible Science که گزارش «تقویت صداقت در تحقیقات» را تألیف کرد، این بود که بسیاری از رویه‌هایی که قبلاً مشکوک تلقی می‌شدند، باید به‌عنوان مضر طبقه‌بندی شوند (آکادمی‌های ملی علوم، مهندسی و پزشکی، ۲۰۱۷: ۷۴). تعاریف واضح از سوءرفتار تحقیقاتی جذاب هستند، اما تمرکز بیش از حد بر شناسایی این رفتارها می‌تواند عوارض جانبی ناخواسته‌ای داشته باشد. این نکته در توصیه‌های CLUE که اخیراً منتشر شده است، مطرح شده است که بر تقویت همکاری بین دانشگاه‌ها و سردبیران در مورد مسائل مربوط به صداقت در پژوهش تمرکز دارد (Wager and Kleinert, 2021). در این توصیه‌ها، نقش‌ها و اولویت‌های متفاوت سردبیران در مقایسه با مؤسسات تحقیقاتی و دانشگاه‌ها بررسی شده است. در همین راستا، آن‌ها مشاهده کردند که مؤسسات تمایل دارند که بر شناسایی و مدیریت سوءرفتار پژوهشی که تعریف محدودتری دارد تمرکز کنند، درحالی‌که سردبیران باید خود را درگیر صداقت پژوهشی کنند که ممکن است طیف وسیع‌تری از شیوه‌های مشکوک را دربر بگیرد (ویگر و کلاینرت، ۲۰۲۱: ۶)،

در پایان، تأکید می‌شود که راه‌حل‌های صرفاً قانونی احتمالاً نمی‌توانند به تنهایی این مشکل پیچیده و چندوجهی را برطرف سازند، بلکه نیازمند همکاری و هم‌افزایی میان چهارچوب‌های اخلاقی، سیاست‌های نظارتی، آموزش‌های پژوهشی و فرهنگ‌سازی گسترده در جامعه علمی هستیم. سازوکارهای نظارتی مؤثر، ابزارهای تشویقی و الزام‌آور و ارتقای شفافیت در فرایندهای انتشار علمی، می‌توانند راهکارهایی باشند که به تدریج به بهبود کیفیت و صحت تحقیقات منتشرشده و بازسازی اعتماد عمومی کمک کنند.

۱- تعریف سوءرفتار پژوهشی

هیچ تعریف پذیرفته‌شده جهانی از سوءرفتار پژوهشی وجود ندارد، اما در میان تعاریف ارائه‌شده و مورد استفاده، مضامین مشترکی وجود دارد (Bornmann, 2013: 88; Freckelton, 2016). دفتر صداقت در پژوهش وزارت بهداشت و خدمات انسانی ایالات متحده، اصطلاح «سوءرفتار پژوهشی» را به‌معنای جعل، تحریف یا سرقت ادبی در انجام پژوهش و به استثنای صریح خطاهای صادقانه یا اختلاف نظر تفسیر می‌کند (تعریف سوءرفتار پژوهشی | دفتر صداقت در پژوهش (ORI), n.d) - این از قانون مقررات فدرال ایالات متحده CFR ۴۲ §93.103 گرفته شده است. این تعریف در قانون نهایی سیاست‌های خدمات بهداشت عمومی در مورد سوءرفتار پژوهشی که در سال ۲۰۰۵ در دفتر ثبت فدرال منتشر شد، رسمیت یافت (وزارت بهداشت و خدمات انسانی ایالات متحده، ۲۰۰۵: ۲۸۳۷۷). تا به امروز، تعریف سوءرفتار پژوهشی در ایالات متحده به‌شدت بر «ساخت، تحریف و سرقت ادبی» متمرکز است (آکادمی‌های ملی علوم، مهندسی و پزشکی، ۲۰۱۷: ۶۴). روش‌های دیگری برای مفهوم‌سازی سوءرفتار پژوهشی وجود دارد و سایر کشورها و مؤسسات نیز با یک تعریف دست و پنجه نرم کرده‌اند و به نتایج متفاوتی رسیده‌اند. این تعاریف جایگزین هنوز هم از مفاهیم اصلی «ساخت، تحریف و سرقت ادبی» استفاده می‌کنند، اما در نحوه گنجاندن سایر رفتارها در تعریف متفاوت هستند (آکادمی‌های ملی علوم، مهندسی و پزشکی، ۲۰۱۷: ۶۵). برای مثال، در بریتانیا، دفتر صداقت در پژوهش، سوءرفتار پژوهشی را مانند تعریف ایالات متحده، شامل جعل، تحریف، سرقت ادبی تعریف می‌کند، اما ارائه نادرست داده‌ها، منافع یا مشارکت و عدم پیروی از رویه‌های پذیرفته‌شده یا عدم اعمال مراقبت لازم در مدیریت

Academies of Sciences, Engineering, and
(Medicine, 2017: 80).

حتی نگران‌کننده‌تر این است که شواهدی وجود دارد که مقالات مشکل‌ساز هرگز مسترد نمی‌شوند (National Academies of Sciences, Engineering, and Medicine, 2017: 81). علی‌رغم چالش‌های شناخته‌شده در تخمین شیوع واقعی سوءرفتار پژوهشی، تلاش‌های متعددی در ادبیات علمی منتشر شده است. برخی از تخمین‌های منتشرشده از تعداد کارآزمایی‌های بالینی تصادفی ساختگی به ۲۰ تا ۴۰ درصد می‌رسد (Carlisle, 2021; EPPPIC Group, 2021; Ioannidis, 2021). برای مثال، در سال ۲۰۰۹، فانلی (۲۰۰۹) یک تحلیل سیستماتیک از ادبیات داده‌های کمی نظرسنجی که در زمان انجام جستجو جمع‌آوری شده بود، منتشر کرد. این تحلیل شامل ۲۱ نظرسنجی بود و نشان داد که میانگین وزنی تجمیع‌شده ۹۷/۱ درصد از دانشمندان به جعل، ساخت یا اصلاح داده‌ها و ۷/۳۳ درصد به QRP اعتراف کرده‌اند (فانلی، ۲۰۰۹: ۱).

در سال ۲۰۱۵، پوپوواک و فانلی (۲۰۱۵)، یک بررسی سیستماتیک از نظرسنجی‌های ناشناس دانشمندان در مورد سرقت ادبی از ماه مه تا دسامبر ۲۰۱۱ انجام دادند و دریافتند که ۷/۱ درصد به ارتکاب سرقت ادبی اعتراف کرده‌اند و ۳۰ درصد شاهد سرقت ادبی بوده‌اند. اخیراً، در سال ۲۰۲۱، بررسی سیستماتیک دیگری توسط Xie و همکاران انجام شد (۲۰۲۱) که تمام مقالات منتشرشده با داده‌های شیوع را تا ۱۷ ژوئیه ۲۰۲۲ بررسی کردند. این بررسی ۴۲ مقاله را شناسایی کرد و دریافت که شیوع سوءرفتار تحقیقاتی پذیرفته شده در بین دانشمندان ۲۹ درصد و شیوع QRP ها ۱۲٫۵ درصد است (Xie و همکاران، ۲۰۲۱: ۶). شیوع سوءرفتار تحقیقاتی مشاهده شده ۱۵٫۵ درصد و QRP های مشاهده‌شده ۳۹٫۷ درصد بود (Xie و همکاران، ۲۰۲۱: ۱۴).

شیوع واقعی سوءرفتار تحقیقاتی هرچه که باشد، هزینه پولی و انسانی سوءرفتار تحقیقاتی قابل توجه است. کارآزمایی‌های بالینی زمانی قابل توجیه هستند که پتانسیل سهم قابل توجهی در دانش در زمینه مورد تحقیق وجود داشته باشد، اما این هزینه هدر می‌رود و خطرات برای بیماران می‌تواند بدون هیچ فایده‌ای باشد، وقتی که سوءرفتار وجود دارد (Zhang & Grieneisen, 2013). این امر به اعتبار مؤسسات و همکاران و همچنین

در نتیجه، آستانه‌های بررسی ادعاها ممکن است بین طرفین متفاوت باشد و مانع ارتباط بین سردبیران و مؤسسات شود.

علی‌رغم این مسائل و تعاریف متفاوت سوءرفتار پژوهشی، مضامین ثابتی در تعاریف وجود دارد که امکان شناسایی آن‌چه که عموماً به‌عنوان سوءرفتار پژوهشی پذیرفته شده است و تخمین میزان مشکل پیش رو را فراهم می‌کند.

۲- میزان مشکل سوءرفتار پژوهشی

تخمین میزان واقعی سوءرفتار پژوهشی دشوار است، اما با وجود افزایش شناخت از این مشکل، احتمالاً بیشتر از آن چیزی است که در حال حاضر تصور می‌شود (Bornmann, 2013: 92; Thiese et al., 2017: 4117; Zuckerman, 2020: 949). این مشکل، فارغ از مرزهای بین‌المللی و ضریب تأثیر مجلات، در تمام رشته‌های تحقیقات علمی و تخصص‌های تحقیقات پزشکی شیوع دارد (Bennett et al., 2020; Chambers et al., 2019; Chauvin et al., 2019; Dal-Ré, 2019; Freckelton, 2016; Grieneisen and Zhang, 2012: 12-13; Mena et al., 2019; Wang et al., 2019).

تعدادی از مطالعات اخیر که مقالات ردشده در مجلات علمی و پزشکی را بررسی کرده‌اند، در مورد افزایش تعداد موارد تخلف، حتی با در نظر گرفتن افزایش مقالات منتشرشده اظهار نظر کرده‌اند (Zuckerman, 2020: 949). برخی دیگر با این نظر مخالف بوده‌اند که این مشکل به همان اندازه که ادعا می‌شود، گسترده است، به‌خصوص برای علوم بهداشتی (Bhutta & Crane, 2014: 2). به‌دلیل چالش‌های به‌دست‌آوردن داده‌های تخلف، نمی‌توان به‌طور قطعی از میزان واقعی تخلف در تحقیقات مطلع شد (Zuckerman, 2020: 947, 957). درحالی‌که تا آگوست ۲۰۲۲ بیش از ۳۸/۰۰۰ مقاله ردشده در پایگاه داده Retraction Watch جمع‌آوری شده است.

یک بررسی از مقالات ردشده در سال ۲۰۱۳ تخمین زد که تنها ۲۰ درصد از مقالات ردشده به‌دلیل ادعای تخلف در تحقیقات بوده‌اند (Grieneisen & Zhang, 2012: 13). افزایش نرخ مقالات مستردشده را می‌توان با عوامل متعددی توضیح داد، از جمله کاهش مداوم موانع انتشار آثار دارای نقص در طول زمان و این که نرخ‌های مستردشدن ممکن است توسط سوءرفتارهای سریالی منحرف شوند (Freckelton, 2016; National

سردبیران علوم اروپا به آن ارجاع داده می‌شود. منبع دیگر برای راهنمایی سردبیری در مورد تخلفات پژوهشی که معمولاً به آن اشاره می‌شود، منبعی است که توسط کمیته بین‌المللی سردبیران مجلات پزشکی (ICMJE) ارائه شده است، اما حتی این منبع نیز خوانندگان خود را به راهنمایی COPE هدایت می‌کند.

کمیته اخلاق نشر (COPE) راهنمایی‌هایی را برای سردبیران مجلات در مورد رسیدگی به نگرانی‌های مربوط به یک مقاله ارائه می‌دهد. سوءظن به سوءرفتار پژوهشی ممکن است در هر بخشی از فرآیند انتشار ایجاد شود و ممکن است توسط مجله، داوران، همکاران نویسنده یا مؤسسه یا خوانندگان ادعا شود. نگرانی‌های مطرح‌شده در مورد یک نسخه خطی یا انتشار باید توسط سردبیر مجله تأیید و به سرعت و شفاف مورد بررسی قرار گیرد. COPE به سردبیران توصیه می‌کند که در مورد ادعاها آشکارا با مؤسسات ارتباط برقرار کنند تا تحقیقات توسط مؤسسه و نه توسط مجله انجام شود (Wager & Kleinert, 2012). یافته‌های سوءرفتار باید مورد بررسی قرار گیرد و COPE راهنمایی‌هایی را برای مجلات در مورد نحوه برخورد با موارد سلب مسؤلیت ارائه می‌دهد (Barbour et al., 2009). این راهنما به سردبیران مجلات توصیه می‌کند که در صورت وجود شواهد واضح مبنی بر غیرقابل اعتماد بودن یافته‌ها به دلیل جعل، سرقت ادبی یا خطای بزرگ یا غیراخلاقی بودن، سلب مسؤلیت مقاله را در نظر بگیرند. فرم استرداد باید به‌وضوح به‌راحتی قابل شناسایی باشد، به‌صورت رایگان در دسترس همه خوانندگان باشد، به سرعت منتشر شود، بیان کند که چه کسی مقاله را مسترد می‌کند و دلایل استرداد به زبان عینی و واقعی باشد. COPE بیان می‌کند که هدف از استرداد، اصلاح ادبیات است و جنبه تنبیهی ندارد.

خطرات سوءرفتار پژوهشی زیاد است، زیرا عواقب آن برای همه طرفین نباید دست کم گرفته شود (Freckelton, 2020a: 160). جامعه دانشگاهی و پژوهشی رقابتی است و یافته‌ها و ادعاهای سوءرفتار پژوهشی ممکن است پیامدهای مالی و حرفه‌ای قابل توجهی داشته باشند. نه یافته‌های سوءرفتار و نه ادعا نباید ساده گرفته شود و مناسب است که در طول فرآیند تحقیق، باتوجه به تأثیری که بر نویسندگان و طرف‌های مرتبط خواهد داشت، استانداردهای بالا حفظ شود. مشخص نیست که منظور از COPE وقتی به «شواهد روشن» اشاره می‌کند،

اتلاف وقت و تلاش همکارانی که روی تحقیقات بیهوده کار می‌کنند، آسیب می‌رساند (آکادمی‌های ملی علوم، مهندسی و پزشکی، ۲۰۱۷: ۸۱).

علاوه بر این، القای داده‌های غیرقابل اعتماد به عملکرد بالینی و سیاست‌ها از طریق انتقال اعتبار از طریق انتشار و ادغام در بررسی‌های سیستماتیک و استنادها، اعتماد به تحقیقات را تضعیف می‌کند و ممکن است به بیماران آسیب برساند (فرکلتون، ۲۰۱۶). انتشار، تخلف را مشروعیت می‌بخشد و به آن اعتبار می‌بخشد که تأثیر مخربی بر عملکرد بالینی و در نتیجه مراقبت و ایمنی بیمار دارد. به‌عنوان مثال، در مورد **یواخیم بولت**، نتیجه مطالعات ساختگی، عملکرد پزشکی را تغییر داد (فرکلتون، ۲۰۱۶؛ وایز، ۲۰۱۳). مطالعات **بولت**، آسیب محلول‌های کلوئیدی را پنهان کرد تا خطر مرگ و آسیب کلیوی را افزایش دهد. پس از حذف مطالعات بی‌اعتبار و انجام متاتالیز، آسیب آشکار شد. **ایان رابرتز**، نویسنده اصلی بررسی کاکرین، تخمین زد که استفاده از آن‌ها منجر به مرگ سالانه بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ بیمار در بریتانیا شده است (Freckelton, 2016; Wise, 2013: 18). علاوه بر این، اگر رقیق‌شدن دانش علمی پزشکی با داده‌های غیرقابل اعتماد، اعتماد به شواهد را تضعیف کند، آسیب‌های غیرمستقیمی به عملکرد بالینی وارد می‌شود (Carney Almroth et al., 2020). تنها اعتماد عمومی به داده‌ها مهم نیست؛ پزشکان باید بتوانند به داده‌ها اعتماد کنند، زیرا آن‌ها هستند که باید داده‌ها را در زمینه بالینی به‌کار گیرند. اگر پزشکان نتوانند در عمل بالینی به داده‌ها اعتماد کنند و از نظر مهارت و زمان برای تمایز بین اطلاعات خوب و بد مجهز نباشند، ممکن است از داده‌ها برای هدایت مدیریت اجتناب کنند.

۳- چگونگی رسیدگی به تخلفات پژوهشی

چهارچوب‌هایی وجود دارد که سردبیران و ناشران مجلات را در پاسخ به نگرانی‌های مطرح‌شده در مورد تخلفات راهنمایی می‌کند، اگرچه به دلیل این دستورالعمل‌ها، پیشرفت‌هایی در مدیریت و گزارش استرداد مقالات حاصل شده است، اما نگرانی‌هایی مطرح شده است که پاسخ‌های مجلات همچنان ناکافی، کند و فاقد انسجام و شفافیت است. کمیته اخلاق نشر (COPE) جامع‌ترین منبع را ارائه می‌دهد و به‌طور گسترده، از جمله توسط انجمن‌های سردبیری مجلات مانند شورای سردبیران علوم، انجمن جهانی سردبیران پزشکی و انجمن

ایوانیدیس، ۲۰۲۱). توجیه مسؤلیت قانونی نیروی کار داوطلب در زمانی که نه منابع و نه انگیزه شغلی برای رسیدگی به این مشکل را ندارند، دشوار است. عواقب ناشی از عدم جذب سردبیران مجلات به چنین سمت‌هایی بسیار بدتر خواهد بود. دستورالعمل‌ها و چهارچوب‌های اخلاقی مانند آنچه توسط COPE ارائه شده است، به جای انگیزه‌های قانونی، بر انگیزه‌های اخلاقی برای عمل متکی هستند.

۴- چالش‌ها و تعهدات قانونی سردبیران و ناشران در رابطه با سوءرفتار پژوهشی

درحالی که جستجوی اجمالی برای تعیین مسؤلیت‌های مجلات، نتایجی را ارائه می‌دهد که وظایف «اجتناب از گمراه کردن خوانندگان» و «اصلاح یا رد اثر منتشرشده» را شرح می‌دهد (ویگر و کلاینت، ۲۰۲۱: ۹)، این فقط وظایف اخلاقی را شرح می‌دهد. هیچ تعهد قانونی برای ملزم کردن سردبیران یا ناشران مجلات به رسیدگی به انتشار تحقیقات نادرست، ساختگی یا سرقت ادبی وجود ندارد. این مقاله چهار حوزه قانونی را مشخص می‌کند که در آن‌ها استدلالی برای مطالبه غرامت به دلیل عدم پاسخگویی کافی به نگرانی‌ها یا شواهد سوءرفتار پژوهشی ممکن است وجود داشته باشد. درنهایت، احتمال موفقیت هریک از این اقدامات کم است.

۴-۱- انتشار سهل‌انگارانه

جرم ناشی از انتشار سهل‌انگارانه در برخی کشورها تکامل یافته است و پیش‌بینی می‌کند که یک ناشر ممکن است وظیفه مراقبت از خواننده را در رابطه با اطلاعات، توصیه‌ها یا دستورالعمل‌هایی که درنهایت منجر به آسیب خواننده شده است، داشته باشد (هافمن، ۱۹۸۵). برای موفقیت در این دعوی، شاکی (مدعی) باید ثابت کند که وظیفه مراقبت وجود داشته، آسیب، ناشی از نقض وظیفه مراقبت بوده و آسیب به طور معقول توسط ناشر قابل پیش‌بینی بوده است. با این حال، در پرونده Sony Computer Entertainment America, Inc v. American Home Insurance Co (شماره 0492-C04 (PJH (ND Cal. Dec. 1, 2005), n.d) دادگاه ناحیه‌ای ایالات متحده برای ناحیه شمالی کالیفرنیا حکم داد که اصطلاح «انتشار سهل‌انگارانه» باید فقط به آن دسته از ادعاهای جرم مدنی که با ادعاهای افترا و اختلاس مشخص می‌شوند، اشاره داشته باشد و بدین ترتیب دامنه جرم مدنی را کاهش دهد.

چیست. با این حال، واضح است که این دارای آستانه بالایی از نظر اثبات است. این خطر وجود دارد که مؤسسات و مجلات «شواهد روشن» را با «میزان» تخلف اشتباه بگیرند و این مشکل را تشدید کند که آستانه اقدام مجله به طرز مشکل‌سازي بالا است.

راهنمای COPE همچنین به مجلات توصیه می‌کند که از تخلف فاصله بگیرند و در عوض بر مسؤلیت صحت سوابق تحقیق تمرکز کنند. این راهنما توصیه می‌کند که تحقیقات توسط مؤسسه نویسنده انجام شود. همچنین تأکید می‌کند که هدف از استرداد، حفظ صحت ادبیات است نه پاسخگو کردن نویسندگان در قبال اعمالشان. با این حال، اگر مجله از نگرانی‌ها آگاه شود، مسؤلیت خود را برای انجام تحقیقات دارد، اما در بیشتر موارد، از نظر ظرفیت خود برای انجام این کار تا حدی که برای «شواهد روشن» لازم است، محدودیت‌هایی خواهد داشت.

انتقادات وارده به این فرآیند، عدم شفافیت، تأخیر و ناهماهنگی را به عنوان موانع اصلی برای یکپارچگی انتشار تحقیقات برجسته می‌کند. راهنمایی‌های ارائه‌شده توسط COPE ممکن است در بسیاری از موارد، به‌ویژه در مورد مجلات کوچک تا متوسط، امیدوارکننده باشد. تخمین میانگین زمان برای تحقیقات و نتایج از زمانی که نگرانی‌ها مطرح می‌شوند، دشوار است، اما میانگین زمان از انتشار تا بازپس‌گیری بین ۱ تا ۲ سال است (Chambers et al., 2019; Serghiou et al., 2021). شکل بازپس‌گیری‌ها در مجلات متناقض است و دلایل ارائه‌شده هم به عدم شفافیت و هم به سهل‌انگاری گمراه‌کننده در قبال نویسندگان متهم شده‌اند (Frampton et al., 2021). با این حال، کشف بازپس‌گیری‌ها و دلایل آن‌ها به هیچ‌وجه ساده نیست. منابعی مانند Retraction Watch بسیار ارزشمند هستند، اما صحت متون نباید به فرآیندهای موقت آغازشده توسط دانشمندان شهروند نگران وابسته باشد.

بزرگی این مشکل همچنین ممکن است مجلات و ناشران را از مقابله با آن بازدارد. اگر سوءرفتار فراگیر باشد و درصد نگران‌کننده‌ای از ادبیات حرفه‌ای به‌طور برگشت‌ناپذیری آلوده شده باشد، نبرد با نویسندگان و مؤسسات ممکن است برای سردبیران مجلات که عمدتاً سمت‌های خود را به‌صورت افتخاری دارند، کاملاً ناخوشایند به‌نظر برسد (کارلایل، ۲۰۲۱؛

برای مقابله با چنین ادعاهایی، برخی ناشران اقدام به ارائه سلب مسؤولیت‌هایی می‌کنند که در آن‌ها تصریح می‌شود که ناشر مسؤول محتوای منتشرشده نیست و هرگونه استفاده از اطلاعات ارائه‌شده به‌عهده خود خواننده است. این سلب مسؤولیت‌ها به‌عنوان تدابیری پیشگیرانه برای کاهش مسؤولیت‌های قانونی ناشرین به‌کار می‌روند. برای مثال، مجله «Art Journal» در سلب مسؤولیت خود بیان می‌کند که اطلاعات ارائه‌شده در وب‌سایت آن‌ها به‌عنوان مشاوره قانونی در نظر گرفته نمی‌شود و استفاده از آن‌ها به‌عهده خود کاربر است.

با این حال، ارائه چنین سلب مسؤولیت‌هایی به‌تنهایی نمی‌تواند ناشر را از مسؤولیت‌های قانونی معاف کند. در مواردی که رفتار ناشر به‌طور فاحش گمراه‌کننده یا فریبنده باشد، ممکن است طرح دعوی علیه آن‌ها موفقیت‌آمیز باشد. برای مثال، در پرونده‌ای در ایالات متحده، کمیسیون تجارت فدرال (FTC) علیه گروه OMICS به‌دلیل انجام شیوه‌های تجاری فریبنده در زمینه انتشارات علمی اقامه دعوی کرد و درنهایت حکم به پرداخت جریمه‌ای بالغ بر ۵۰ میلیون دلار صادر شد.

بنابراین، درحالی‌که ارائه سلب مسؤولیت‌ها می‌تواند به‌عنوان یک اقدام پیشگیرانه در نظر گرفته شود، اما درصورت اثبات رفتار گمراه‌کننده یا فریبنده، ناشران همچنان ممکن است با مسؤولیت‌های قانونی مواجه شوند. این موضوع نشان‌دهنده اهمیت رعایت استانداردهای علمی و اخلاقی در فرآیندهای انتشاراتی است تا از بروز مشکلات قانونی جلوگیری شود.

۳-۴- قرارداد

دعوی در قرارداد بین مشترک و شرکت ناشر بر این اساس خواهد بود که ناشر به تعهدات قراردادی خود برای ارائه اطلاعات علمی دقیق عمل نکرده است. قرارداد اشتراک احتمالاً به‌گونه‌ای تنظیم می‌شود که مشخص کند قرارداد برای ارائه دسترسی به اطلاعات و شکل اطلاعات است، اما نه محتوای آن. بعید است که دادگاه اصطلاح ضمنی مربوط به کیفیت اطلاعات را در قرارداد بگنجانند. روش دیگری که ممکن است قرارداد به نقش سردبیران و ناشران مجله در رسیدگی یا تداوم سوءرفتار پژوهشی در متون مرتبط باشد، از طریق قراردادهای استخدامی است. کارمند شرکت انتشاراتی که ممکن است سردبیر داخلی مجله باشد، ملزم به رعایت مفاد قرارداد استخدامی خود و هرگونه سیاست داخلی و ضوابط رفتار

تنها تعداد کمی از ادعاهای جرم مدنی مربوط به انتشار سهل‌انگارانه موفق بوده‌اند. یک موضوع تکراری که منجر به شکست این ادعاها شده است، نگرانی از این است که بار بررسی اطلاعات بیش از حد بر صنعت نشر سنگینی کند (Ausness, 2000: 619-620). جرم مدنی انتشار سهل‌انگارانه در قوانین استرالیا یا بریتانیا وجود ندارد. موارد انتشار سهل‌انگارانه را می‌توان به چهار زیرشاخه طبقه‌بندی کرد:

- مواردی که خوانندگان به مطالب منتشرشده معیوب استناد کرده‌اند.

- مواردی که خوانندگان از دستورالعمل‌ها یا توصیه‌های معیوب پیروی کرده‌اند.

- مواردی که خوانندگان در نتیجه تبلیغات منتشرشده آسیب دیده‌اند.

- مواردی که شامل انتشار نقشه‌های هوانوردی معیوب است (Ausness, 2000: 611-613).

در بیشتر موارد، شاکیان به‌طور ناموفق استدلال کرده‌اند که مسؤولیتی در قبال سهل‌انگاری از سوی ناشران وجود دارد و این به‌دلیل اتکا به اصول مسؤولیت محصول است که به ناشر اجازه می‌دهد استدلال کند که علی‌رغم اطلاعات معیوب، محصول تولیدشده توسط آن‌ها برای هدف مناسب بوده است. این به این دلیل است که اطلاعات به‌عنوان محصول در نظر گرفته نمی‌شوند (Ausness, 2000: 623). این جدا از نقشه‌های هوانوردی است که دادگاه‌ها تا حد زیادی از شاکیان حمایت کرده‌اند.

۲-۴- رفتار گمراه‌کننده و فریبنده

در زمینه مسؤولیت‌های قانونی ناشران مجلات علمی، یکی از چالش‌های اساسی، امکان طرح دعوی علیه آن‌ها به‌دلیل رفتار گمراه‌کننده یا فریبنده است. برخی از مجلات ممکن است خود را به‌عنوان منابع معتبر و با کیفیت بالا معرفی کنند، درحالی‌که در عمل ممکن است استانداردهای علمی و اخلاقی را رعایت نکنند. در چنین شرایطی، ممکن است ادعایی مبنی بر فریب یا گمراه‌سازی مطرح شود که ناشر خود را به‌عنوان منبعی معتبر معرفی کرده است، درحالی‌که این ادعا صحت ندارد.

تحقیقاتی به‌عنوان یک جرم کلاهبرداری تلقی شود، بسیار کم است. معمولاً مسؤولیت‌های ناشران و سردبیران بیشتر در حوزه‌های اخلاق نشر و حفظ استانداردهای کیفی قرار دارد تا مسائل کیفری. بنابراین، اگرچه کلاهبرداری یک ابزار قانونی مهم برای مقابله با سوءرفتار محققان است و جبران خسارت قانونی مناسبی فراهم می‌آورد، اما کاربرد آن برای مقابله با نقش‌های غیرمستقیم یا ساختاری ناشران و سردبیران در این زمینه محدود است و بیشتر این موارد در چهارچوب‌های اخلاقی و حرفه‌ای مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۴-۵- مقررات حرفه‌ای

رویه‌های انضباطی نیز ارتباط مستقیمی با سوءرفتار پژوهشی دارند. برای مثال، در نظام سلامت استرالیا، نهادهای نظارتی برای متخصصان سلامت وجود دارند که می‌توانند در مواجهه با سوءرفتار پژوهشی علیه آن افراد اقدام کنند و تصمیماتی جدی بگیرند، از جمله محرومیت از ادامه حرفه (Freckelton, 2016).

اما در مقابل، برای مجلات علمی و ناشران، هیچ نهاد انضباطی ویژه و الزام‌آوری وجود ندارد که به‌صورت متمرکز بر رفتار سردبیران، صحت انتشار و بررسی اخلاقی تصمیم‌گیری کند. با این حال، تحت شرایط خاصی، اگر یک متخصص سلامت که هم‌زمان سردبیر یک مجله است، رفتار بسیار غیراخلاقی در نقش سردبیری‌اش انجام دهد، ممکن است توجه نهاد نظارتی حرفه‌ای یا هیأت مدیره یا سایر مراجع را جلب کند و شکایتی به ثبت برسد. در چنین حالتی، نتایج شکایت ممکن است شامل اخطار، محدودیت در مجوز فعالیت یا حتی محرومیت از فعالیت علمی یا حرفه‌ای باشد.

برای درک بهتر، نگاهی به چند نمونه واقعی در استرالیا بیندازیم:

- در سال ۲۰۱۵، پروفیسور Stephen Leeder که سردبیر مجله «Medical Journal of Australia» بود، به‌دلیل مخالفت با تصمیم ناشر برای برون‌سپاری تولید مجله به شرکت Elsevier برکنار شد؛ این اقدام واکنش شدید جامعه علمی را به‌همراه داشت.

- دانشگاه کوئینزلند مجبور شد یک مقاله منتشرشده در حوزه نورولوژی را بازپس‌گیری نماید، زیرا مؤسسه نتوانست هیچ داده

حرفه‌ای و اخلاقی مربوط به COPE یا سایر دستورالعمل‌های مربوطه خواهد بود. اگر کارمند یا سردبیر مجله به‌گونه‌ای عمل کند که مفاد قرارداد استخدامی خود را نقض کند، ممکن است سمت او فسخ شود یا نوع دیگری از اقدامات انضباطی علیه او اعمال شود. محققانی که به سوءرفتار پژوهشی متهم می‌شوند، ممکن است با عواقب مشابهی در رابطه با قراردادهای استخدامی خود با مؤسساتشان مواجه شوند.

۴-۴- کلاهبرداری

کلاهبرداری به‌عنوان شکلی دیگر از جرم شناخته می‌شود و در حوزه علمی نیز این مفهوم شامل ادعایی است که براساس آن ناشر یا مجله به‌طور عمدی و با هدف منافع شخصی، اطلاعات یا نتایج علمی را تحریف می‌کند. برای این که یک ادعای کلاهبرداری یا تقلب در این زمینه موفقیت‌آمیز باشد، لازم است که رفتار بسیار فاحش و آشکاری از سوی مجله یا ناشر وجود داشته باشد که به‌طور عمدی و سیستماتیک باعث گمراهی مخاطبان یا جامعه علمی شود، البته چنین مواردی بسیار نادر است و به‌طور کلی، ادعای کلاهبرداری علیه ناشر یا مجله کمتر مطرح می‌شود و بیشتر توجه به سوءرفتارهای انجام‌شده توسط خود محققان معطوف است.

درحقیقت، در بسیاری از مواقع، دعوی کلاهبرداری زمانی می‌تواند موفق باشد که مستقیماً متوجه محقق یا فردی باشد که مسؤول سوءرفتار علمی است، به‌ویژه در ایالات متحده، سوءرفتار تحقیقاتی که شامل جعل، تحریف یا سرقت علمی است و در استفاده از بودجه‌های فدرال رخ می‌دهد، می‌تواند منجر به تعقیب کیفری محقق و حتی مجازات زندان شود. برای نمونه، در مورد **دونگ-پیو هان** که در دانشگاه ایالتی آیووا فعالیت داشت، جعل و تحریف داده‌های مربوط به آزمایش‌های واکسن انجام شده که با حمایت مالی از طریق کمک‌های فدرال تأمین شده بود، منجر به محکومیت وی به جرم کلاهبرداری و زندان شد (فرکلتون، ۲۰۱۶؛ ربردون، ۲۰۱۵). این نمونه نشان می‌دهد که چگونه سوءرفتار علمی و به تبع آن کلاهبرداری می‌تواند پیامدهای حقوقی و کیفری جدی برای محققان داشته باشد.

با این وجود، علی‌رغم اهمیت و تأثیرگذاری کلاهبرداری در سطح فردی و پژوهشی، احتمال این که نقش سردبیر یا ناشر مجله در گسترش و ادامه ادبیات علمی مبتنی بر سوءرفتار

یا مدرکی برای پشتیبانی از آن بیاید و تحت فشار روند بررسی داخلی را آغاز کرد.

– پروفیسور Levon Khachigian در دانشگاه NSW نیز تحت تحقیقات داخلی به دلیل چند مورد ادعایی تقلب یا داده نادرست قرار گرفت؛ تعدادی از مقالات او اصلاح یا بازپس گرفته شدند.

این نمونه‌ها نشان می‌دهند که در عمل، مسؤولیت‌های انضباطی بیشتر بر روی افراد و مؤسسات تحقیقاتی تمرکز دارد تا بر ناشران یا مجلات و حتی در مواردی که سردبیر یک مجله نقش دارد، ممکن است تحت فشار حرفه‌ای یا اخلاقی قرار بگیرد.

۵- عدم ایجاد الزام قانونی برای ناشران و سردبیران مجلات به موجب راه‌های قانونی

هیچ الزام قانونی صریحی وجود ندارد که سردبیران یا ناشران مجلات را ملزم کند صحت یا اعتبار اطلاعات منتشرشده را تضمین نمایند، حتی در شرایطی که شواهد قابل توجهی از امکان واردشدن آسیب وجود دارد. هرگونه مسؤولیت در قبال انجام بررسی دقیق، تحقیق پس از انتشار یا اصلاح سوابق، در حال حاضر بر پایه اخلاقیات است نه بر مبنای قوانین الزام‌آور. در چهارچوب حقوق مسؤولیت مدنی (Tort Law)، کسانی که بر مبنای اطلاعاتی که در مجلات منتشرشده تصمیم گرفته‌اند و متضرر شده‌اند، راه چندان امیدوارکننده‌ای برای جبران قانونی زیان خود ندارند. برای ایجاد مسؤولیت قانونی، باید چند عنصر مهم اثبات شوند:

– وجود وظیفه مراقبت (Duty of Care): باید نشان داده شود که سردبیر یا ناشر در قبال خوانندگان، بیماران یا عموم، وظیفه قانونی مراقبت داشته‌اند.

– نقض آن وظیفه (Breach): اثبات کنید که آن وظیفه به‌واسطه انتشار اطلاعات نادرست یا عدم بررسی مناسب نقض شده است.

– رابطه علیت (Causation): باید رابطه مستقیم و معقول میان نقض وظیفه و آسیبی که واقع شده، برقرار شود، یعنی نشان داده شود که آسیب بدون آن خطا پیش نمی‌آمد.

– میزان خسارت یا آسیب (Damage): باید مشخص شود که واقعاً زیانی وارد شده است، چه مالی، چه جسمی، چه روانی و ...

اثبات چنین رابطه‌ای به‌خصوص در زمینه نشر علمی دشوار است، زیرا معمولاً یک مقاله به‌تنهایی منجر به تصمیم‌گیری بالینی یا کاربردی نمی‌شود، بلکه بخشی از یک شبکه گسترده‌تر از مطالعات، دستورالعمل‌ها، نظر متخصصان و شواهد متعدد است. پزشکان یا سایر استفاده‌کنندگان از تحقیقات، معمولاً ترکیبی از مقالات مختلف را بررسی می‌کنند، سرآمدان علمی را در نظر می‌گیرند و آن‌ها را در زمینه شرایط بالینی خاص خود به‌کار می‌برند. بنابراین نشان‌دادن این که دقیقاً «این مقاله خاص» مانع تصمیم بالینی شده، به‌عنوان عامل مؤثر به اندازه کافی مهم، بسیار دشوار است.

همچنین تعهد قانونی برای تضمین صحت اولیه تمام مطالب منتشرشده و انجام بررسی‌های پس از انتشار، تحقیقات مستقل یا اصلاح فوری سوابق، بار سنگینی بر صنعت نشر ایجاد می‌کند. این الزام می‌تواند هزینه‌ها، زمان لازم برای داوری و بازبینی مقالات و خطرات حقوقی را افزایش دهد. از سوی دیگر، وجود چنین تعهدی می‌تواند منجر به، به‌تأخیرافتادن انتشار علمی یا محدودیت دسترسی به تحقیقات شود، به‌ویژه در مجلات کوچک‌تر یا در کشورهایی با منابع محدود.

درنهایت، بین دو منافع عمومی باید تعادلی برقرار شود:

– منافع عمومی در انتشار سریع، گسترده و آزاد دانش علمی و تشویق نوآوری و پیشرفت.

– منافع عمومی در تضمین اعتبار، شفافیت و مسؤولیت‌پذیری در علم، به‌طوری‌که انتشار نادرست یا گمراه‌کننده به آسیب واقعی منتهی نشود.

همچنین تحمیل عواقب قانونی بر سردبیران و ناشران مجلات به‌دلیل عدم شروع و انجام تحقیقاتی که خارج از ابزار و دامنه آن‌هاست، ناعادلانه خواهد بود (Wager & Kleinert, 2021: 2-3). مؤسسه استخدام‌کننده برای انجام تحقیقات در مورد تخلفات ادعایی در موقعیت بهتری قرار دارد، زیرا احتمالاً دسترسی، منابع و امکان اقدام براساس یافته‌های یک تحقیق را دارد که همه این‌ها در دسترس یک مجله نیست. یک تعهد

قانونی قابل اجرا نه تنها برای فرآیند انتشار و تجارت سنگین خواهد بود، بلکه ناعادلانه نیز خواهد بود.

نتیجه‌گیری

در حال حاضر، قانون موجود در استرالیا - که با سیاست‌های حقوقی اغلب کشورهای دیگر نیز هم‌راستا است - هیچ تعهد قانونی الزام‌آوری برای مجلات علمی و ناشران جهت تضمین صحت محتوای منتشرشده ایجاد نکرده است. این وضعیت ممکن است برای برخی افراد غیرمنتظره و حتی نگران‌کننده به نظر برسد، اما در دل این رویکرد، دلایل منطقی و ساختاری نهفته است که در این مقاله به آن‌ها پرداخته شده است، هرچند چهارچوب‌های اخلاقی خاصی برای مقابله با سوءرفتارهای پژوهشی، به‌ویژه در حوزه پزشکی، تدوین شده‌اند، اما در عمل، فاصله قابل توجهی میان دستورالعمل‌های نظری و واقعیت‌های موجود در عرصه انتشار علمی وجود دارد.

یکی از چالش‌های اصلی در این زمینه، تضاد میان انگیزه‌های مالی، زمانی و حقوقی با الزامات اخلاقی است. در واقع، هزینه‌های مالی سنگین، محدودیت‌های زمانی و نیز ترس از پیگردهای قانونی، اغلب به موانعی جدی‌تر از تعهدات اخلاقی بدل می‌شوند و بر تصمیم‌گیری سردبیران و ناشران تأثیر می‌گذارند. نکته قابل توجه دیگر این است که اکثر سردبیران مجلات علمی به‌صورت داوطلبانه فعالیت می‌کنند یا در ازای تلاش و زمانی که صرف می‌کنند، دستمزد ناچیزی دریافت می‌نمایند. در چنین شرایطی، تحمیل مسؤولیت‌های حقوقی یا بارهای اخلاقی بیش از حد، می‌تواند افراد را از پذیرش چنین نقش‌های مهمی منصرف کند، امری که درنهایت به تضعیف سلامت و اعتبار کلی نظام دانش و سوابق علمی منجر خواهد شد.

از این‌رو، به‌جای تأکید صرف بر مسؤولیت‌های حقوقی، باید تمرکز بر تقویت زیرساخت‌هایی باشد که امکان شناسایی سریع مقالات مشکوک، اصلاح‌شده یا بازپس‌گرفته‌شده را برای خوانندگان فراهم می‌کنند. همچنین نیاز فوری به انجام مطالعاتی وجود دارد که تجربه‌های سردبیران و ناشران را در مواجهه با نگرانی‌های مربوط به دقت و صحت مقالات منتشرشده بررسی کنند. تنها از طریق درک دقیق‌تر و عمیق‌تر موانع موجود در مسیر تحقیق، اصلاح، بازبینی و ارتقای شفافیت

است که می‌توان راهکارهایی مؤثر برای بهبود وضعیت فعلی ارائه داد.

احیای اعتماد عمومی و حرفه‌ای به متون علمی، مسؤولیتی جمعی است که برعهده همه افراد و نهادهای درگیر در فرآیند پژوهش پزشکی قرار دارد؛ از محققان و مؤسسات گرفته تا ناشران و ویراستاران مجلات. همان‌طور که Ioannidis و همکاران (۲۰۱۴: ۱۷۲) بیان کرده‌اند، این مسؤولیت تنها محدود به یک بخش از زنجیره تولید دانش نمی‌شود، بلکه نیازمند مشارکت فراگیر و هماهنگ در تمامی سطوح است. هرچند در حال حاضر، ابزارهای قانونی برای جبران تخلفات یا کاستی‌های علمی در این حوزه ناکافی به‌نظر می‌رسند، اما شواهد حاکی از آن است که آگاهی از این مسأله در حال گسترش است. گفتگوهای گسترده‌تری در این‌باره در سطح بین‌المللی و میان‌رشته‌ای در حال شکل‌گیری است که امید به اصلاح و ارتقای استانداردهای اخلاقی و علمی را افزایش می‌دهد.

باوجود چالش‌های پیش‌رو، نویسندگان این مقاله بر این باورند که با استمرار تلاش‌های جمعی و نهادینه‌سازی فرهنگ مسؤولیت‌پذیری در تولید و انتشار علم، می‌توان در بلندمدت اعتماد ازدست‌رفته به منابع علمی را بازیابی کرد و آینده‌ای روشن‌تر برای صداقت پژوهشی رقم زد.

در ادامه چند نمونه جالب از ادعاهای مربوط به انتشار سهل‌انگارانه آمده است (هافمن، ۱۹۹۱):

- یک دانشجوی پرستاری پس از خواندن دستورالعمل‌های کتاب درسی خود، خود را تنقیه کرد و دچار آسیب شد. او از ناشر کتاب درسی شکایت کرد و ادعا کرد که توصیه‌های کتاب درسی قدیمی و مضر است و ناشر مسؤول کیفیت اطلاعات شناخته‌شده.

- یک دانشجو در حین انجام یک آزمایش علمی که در یک کتاب درسی شیمی منتشر شده بود، مجروح شد.

- یک دایره‌المعارف قارچ‌ها، یک قارچ سمی را در متن چاپ‌شده به اشتباه طبقه‌بندی کرده بود و این خطا منجر به این شد که دو خواننده پس از خوردن قارچ‌ها به‌شدت بیمار شوند.

on accurate publications. *Environmental Pollution* 261: 114238.

- Chambers L, Michener C and Falcone T (2019) Plagiarism and data falsification are the most common reasons for retracted publications in obstetrics and gynaecology. *BJOG an International Journal of Obstetrics & Gynaecology* 126(9): 1134–1140.

- Chauvin A, De Villelongue C, Pateron D, et al. (2019) A systematic review of retracted Publications lications in emergency medicine. *European Journal of Emergency Medicine* 26: 19–23.

- Dal-Ré R (2019) Analysis of retracted articles on medicines administered to humans. *British Journal of Clinical Pharmacology* 85: 2179–2181.

- EPPPIC Group (2021) Evaluating progestogens for preventing Preterm Birth International Collaborative (EPPPIC): Meta-analysis of individual participant data from randomized controlled trials. *Lancet* 397(10280): 1183–1194.

- Fanelli D (2009) How many scientists fabricate and falsify research? A systematic review and meta-analysis of survey data. *PLoS One* 4(5): e5738.

- Frampton G, Woods L and Scott DA (2021) Inconsistent and incomplete retraction of published research: A cross-sectional study on Covid-19 retractions and recommendations to mitigate risks for research, policy and practice. *PLoS One* 16(10): e0258935.

- Freckelton I (2016) *Scholarly Misconduct: Law, Regulation and Practice*. New York, NY: Oxford University Press.

- Freckelton I (2020a) Perils of precipitate publication: Fraudulent and substandard COVID-19 Research. *Journal of Law and Medicine* 27(4): 779–789.

- Freckelton I (2020b) Research Misconduct. In: Iphofen R (ed.) *Handbook of Research Ethics and Scientific Integrity*. Cham: Springer International Publishing, 159–180.

- Grieneisen ML and Zhang M (2012) A comprehensive survey of retracted articles from the scholarly literature. *PLoS One* 7(10): e44118.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، صداقت و و امانتداری رعایت شده است.

تعارض منافع: در این مقاله هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

سهام نویسندگان: نگارش مقاله مشترکاً توسط نویسندگان صورت گرفته است.

تشکر و قدردانی: از کلیه کسانی که در معرفی منابع و تهیه این مقاله ما را یاری رساندند، تشکر و قدردانی می‌نماییم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش فاقد تأمین‌کننده مالی بوده است.

منابع

- Acta Informatica Medica 20: 136–140. Available at: www.publicationethics.org (accessed 22 April 2022).

- Ausness RC (2000) The application of product liability principles publishers of violent or sexually explicit material. *Florida Law Review* 52: 603. _Barbour V, Kleinert S, Wager E, et al. (1 September, 2009) Guidelines for retracting articles Committee on Publication Ethics. DOI: 10.24318/cope.2019.1.4.

- Belinda B, Freckelton I and Wolf G (2022) *Law and Regulation: Right, Freedoms and Obligations in a Pandemic*. Oxford: Oxford University Press.

- Bennett C, Chambers LM, Al-Hafez L, et al. (2020) Retracted articles in the obstetrics literature: Lessons from the past to change the future. *American Journal of Obstetrics & Gynecology MFM* 2(4): 10020.1

- Bhutta ZA and Crane J (2014) Should research fraud be a crime? *BMJ* 349: g4532.

- Bornmann L (2013) Research misconduct—definitions, manifestations and extent. *Publications*. 1: 87-98.

- Carlisle JB (2021) False individual patient data and zombie randomised controlled trials submitted to anaesthesia. *Anaesthesia* 76(4): 472–479.

- Carney Almroth B, Jutfelt F and Bour A (2020) Accurate science requires that we base our work

- Tugwell P and Knottnerus JA (2017) How does one detect scientific fraud - but avoid false accusations? *Journal of Clinical Epidemiology* 87: 1–3.
- UK Research Integrity Office (n.d) Misconduct in research. Available at: <https://ukri.org/publications/code-of-practice-for-research/3-0-standards-for-organisations-and-researchers/3-16-misconduct-in-research/> (accessed 5 January 202).
- US Department of Health and Human Services (2005) Public Health Services Policies on Research Misconduct. Federal Register. Available at: https://ori.hhs.gov/sites/default/files/42_cfr_parts_50_and_93_2005.pdf (accessed 5 January 2021).
- Wager E and Kleinert S (2012) Cooperation between research institutions and journals on research integrity cases: Guidance from the Committee on Publication Ethics (COPE).
- Wager E and Kleinert S (2021) Cooperation & Liaison between Universities & Editors (CLUE): Recommendations on best practice. *Research Integrity and Peer Review* 6: 6.
- Wang T, Xing Q-R, Wang H, et al. (2019) Retracted publications in the biomedical literature from open access journals. *Science and Engineering Ethics* 25(3): 855–868.
- Wise J (2013) Boldt: The great pretender. *BMJ* 346: f1738.
- Xie Y, Wang K and Kong Y (2021) Prevalence of research misconduct and questionable research practices: A systematic review and meta-analysis. *Science and Engineering Ethics* 27(4): 41.
- Zhang M and Grieneisen ML (2013) The impact of misconduct on the published medical and non-medical literature, and the news media. *Scientometrics* 96(2): 573–587.
- Zuckerman H (2020) Is “the time ripe” for quantitative research on misconduct in science?. *Quantitative Science Studies* 1(3): 945–958.
- Hoffman JM (1985) From random house to mickey mouse: Liability for negligent publishing and broadcasting. *Tort & Insurance Law Journal* 21(1): 65–89.
- Hoffman JM (1991) Soldiers of misfortune: A survey of claims by victims of negligent publishing and broadcasting. *Brief* 20(summer): 23–47.
- Ioannidis JPA (2021) Hundreds of thousands of zombie randomised trials circulate among us *Anaesthesia* 76(4): 444–447..
- Ioannidis JPA, Greenland S, Hlatky MA, et al. (2014) Increasing value and reducing waste in research design, conduct, and analysis. *Lancet* 383(9912): 166–175.
- Mena JD, Ndoeye M, Cohen AJ, et al. (2019) The landscape of urological retractions: The prevalence of reported research misconduct. *BJU International* 124(1): 174–179.
- National Academies of Sciences, Engineering, and Medicine (2017) *Fostering Integrity in Research*. Washington, DC: National Academies Press.
- Pupovac V and Fanelli D (2015) Scientists admitting to plagiarism: A meta-analysis of surveys. *Science and Engineering Ethics* 21(5): 1331–1352.
- Reardon S (2015) Uneven response to scientific fraud: The case of jailed US vaccine researcher Dong-Pyou Han shows up inconsistent nature of penalties. *Nature* 523(7559): 138–140.
- Serghiou S, Marton RM and Ioannidis JPA (2021) Media and social media attention to retracted articles according to Altmetric. *PLoS One* 16(5): e0248625.
- Sony Computer Entertainment Am Inc. v. Am. Home Assurance Co. No. C04-492 PJH (n.d.)ND Cal. Dec. 1, 2005.
- The Office of Research Integrity (ORI) (n.d) Definition of Research Misconduct. Available at: <https://ori.hhs.gov/definition-misconduct> (accessed 5 January 2021).
- Thiese MS, Walker S and Lindsey J (2017) Truths, lies, and statistics. *Journal of Thoracic Disease* 9(10): 4117–4124.